

کیفیت حیات برزخی و ارتباط آن با دنیا از دیدگاه فلاسفه

اکرم اسکندری^۱

چکیده

با مرگ، پرونده زندگی انسان بسته نمی شود بلکه به وسیله ی مرگ حیات او در عوالم مافوق ادامه می یابد. از جمله ی این عوالم که در امتداد عالم ماده است، عالم برزخ است که حیات برزخی در این عالم تحقق می یابد. حد و مرز و مانع میان دو چیز را برزخ می گویند و چون روح بعد از مرگ بین این دنیا و آخرت قرار می گیرد، به این عالم، عالم برزخ می گویند. آیات فراوانی در قرآن به واژه «برزخ» پرداخته است که اهمیت این موضوع را نشان می دهد. در مقاله حاضر، کیفیت حیات برزخی از منظر فلاسفه، به شیوه ی کتابخانه ای و با روش توصیفی، بررسی شده است که ابتدا به مرگ و بیان قبر حقیقی می پردازد؛ سپس به ویژگی عالم برزخ و تبدیل جسم طبیعی به جسم برزخی اشاره می کند، آن گاه پیرامون سؤال در برزخ، بهشت و جهنم برزخی و اینکه آیا ارواح بعد از انتقال به عالم برزخ اهل خود را ملاقات می کنند یا نه؟، بحث می کند.

کلیدواژه: مرگ، قبر، عالم برزخ، حیات برزخی، بدن برزخی

۱. طلبه پایه پنجم، سطح دو حوزه علمیه الزهرا علیها السلام.

مقدمه

در آفرینش، انسان مسافری است که در طول سفر خود، از مرحله ای به مرحله دیگر وارد می شود و از منزلی به منزل دیگر در حال نقل و انتقال است. روزی به دنیا می آید، عمری را در جهان مادی و در قالب تن، سپری می کند و پس از پرشدن پیمانه، روح او از کالبد مادی خارج شده و به سوی جهانی دیگر به نام عالم برزخ رهسپار می شود و در آن جا از نوعی حیات برخوردار است.

حد فاصل میان دو چیز را برزخ می گویند و چون روح انسان بعد از مرگ تا روز قیامت بین این دنیا و سرای آخرت قرار می گیرد، این عالم، عالم برزخ نام گرفته است.

توجه به مسأله حیات برزخی برای هدایت مردم و دستیابی آن ها به کمال و سعادت امری ضروری است و شناخت صحیح کیفیت حیات برزخی و اعتقاد به آن نقش مهمی را در زندگی انسان ایفا می کند. چرا که همه باید این مسیر را طی کنیم و در طول زندگی محدود دنیا خود را آماده مراحل بعدی کنیم. بنابراین زندگی در برزخ که پس از مرگ سر راه انسان قرار دارد، یک حقیقت اجتناب ناپذیر است. بیشتر فلاسفه ی اسلامی به عالم برزخ اعتقاد دارند و معتقدند برزخ به مرتبه ای از وجود گفته می شود که حد وسط بین عالم ماده و عالم عقل است.

آیات فراوانی در قرآن آمده که به عالم برزخ پرداخته است. یکی از این آیات، آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون است که خداوند در این آیه می فرماید: «لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحاً تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ أَلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ»؛ «(و مرا به دنیا بازگردانید) شاید در آنچه ترک کردم، عمل صالحی انجام دهم! (ولی به او می گویند) چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می گوید و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند!».

لذا لازم است با بررسی کیفیت حیات برزخی، زمینه ی شناخت بیشتر مردم فراهم شود. این موضوع با این که در جنبه های گوناگون قابل بررسی است، ولی در این نوشتار سعی شده از دیدگاه فلاسفه بررسی شود.

معنای حیات

واژه «حیات» از ماده‌ی «حی» از ریشه «حیو» به معنای زندگی مقابل مرگ می باشد.^۱

راغب در مفردات برای حیات شش معنی آورده:

۱. قوه‌ی نامیه ۲. قوه‌ی حساسه، ۳. قوه‌ی عامله - عاقله، ۴. رفع غم و اندوه، ۵. حیات اخروی، ۶. خداوند حی و قیوم.^۲

با دقت در موارد استعمال همه‌ی آن ها به یک معنی برمی گردد و آن زندگی مقابل مرگ است و در مورد چهارم، مجازاً به کار رفته است.

معنای برزخ

برزخ، حد و مرز و مانع میان دو چیز را می گویند. اصلش «برزه» است که معرب شده در آیه «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّيَالِيَانِ»؛ «میان آن دو دریا، برزخ و فاصله ایست که تجاوز به حقوق یکدیگر نمی کنند». برزخ در قیامت حائلی است میان انسان و رسیدن به مقامات عالی اخروی و این اشاره‌ای است به رویداد مذکور در آیه «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ»؛ «باز هم به عقبه‌ی تکلیف، تن در نداد؟»^۳ و «وَمِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»؛ «و پشت سر آن ها برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند».^۴

این رویدادها و عقبه ها، موانعی است از حالات مختلفی که به آن ها نمی رسند مگر انسان های شایسته و صالح، و گفته اند برزخ میان مرگ و قیامت است.^۵

خلیل بن فراهیدی می گوید: آن چه که میان دو چیز قرار می گیرد را برزخ می گویند و مرده در برزخ است، بخاطر این که مرده بین دنیا و آخرت است. و «برازخ الأیمان» به معنای آن چه که بین

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۴۲۴.

۲. راغب، المفردات، ج ۱، ص ۵۶۸.

۳. الرحمن، آیه ۲۰.

۴. بلد، آیه ۱۱.

۵. مؤمنون، آیه ۱۰۰.

۶. راغب، همان، ص ۲۵۹.

شک و یقین قرار دارد، است و همین طور به آن چه که بین تاریکی و روشنایی و بهشت و آتش، است نیز برزخ می گویند.^۱

حقیقت عالم برزخ

روح انسان بعد از پایان زندگی دنیا، در جسم لطیفی قرار می گیرد، که آن جسم، از بسیاری از عوارض جسم مادی برکنار است، و به آن، بدن مثالی یا قالب مثالی می گویند، که نه کاملاً مجرد است و نه مادی محض، بلکه دارای یک نوع تجرد برزخی است؛ (مثلاً جای گرفتن آب در میان کوزه، با جای گرفتن آن در میان نایلون، فرق دارد، در اولی در میان جسم غلیظ است و در دومی در میان جسم لطیف، همچنان که آب را می توان از بیرون نایلون دید، چنانچه بعضی، صورتهای برزخی را می توانند ببینند.) البته حقیقت این مطلب برای ما که در زندان عالم ماده، اسیر هستیم، به طور روشن قابل درک نیست، ولی برای اینکه تا حدودی چگونگی آن را دریابیم، دانشمندان آن را به حالت خواب تشبیه کرده اند. و به گفته ی علامه مجلسی رحمه الله علیه تشبیه عالم برزخ به حالت خواب و رؤیا در بسیاری از روایات، وارد شده است.

هر انسانی در عالم خواب، دیده است که روحش با استفاده از قالب، گاهی به جاهای وسیع و زیبا رفته و با مناظر جالب همراه با نعمت های فراوان، رو به رو شده و بهره مند گشته و لذت برده است و گاهی به عکس، مناظر وحشتناکی را مشاهده می کند که بسیار آزرده و ناراحت شده و با فریاد و گریه از خواب بیدار می گردد. با توجه به این تشبیه (عالم خواب) تا حدودی برای ما درک می شود، بنابراین جسم مثالی چنانکه از نامش پیداست، شبیه این بدن است، ولی این ماده ی کثیف عنصری را ندارد، بلکه جسمی است لطیف، نورانی و خالی از مواد و عناصر شناخته شده ی این جهان.

به گفته ی بعضی: قالب مثالی در باطن بدن هر انسانی وجود دارد، منتها به هنگام مرگ از بدن جدا می شود و زندگی برزخی خود را آغاز می کند، بنابراین روح بعد از مرگ به بدن دیگر منتقل نمی شود تا تناسخ به وجود آید، بلکه در قالب مثالی خود که در باطنش موجود است، انتقال می یابد.

۱. فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۳۳۸

در روایات اسلامی به جسم مثالی تصریح شده است، به عنوان نمونه: شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: عده ای معتقدند که ارواح مؤمنان در چینه دان پرندگان سبزرنگی، در اطراف عرش قرار دارند، امام صادق علیه السلام فرمود: این اعتقاد درست نیست، مؤمن در نزد خدا گرامی تر از آن است که خداوند روحش را در چینه دان پرنده ها جای دهد، بلکه ارواح در بدن هایی شبیه بدن های سابق خواهند بود. و نیز فرمود: هنگامی که خداوند روح مؤمن را قبض می کند، او را در قالبی همانند قالبش در دنیا قرار می دهد. آن گاه فرمود: این ارواح می خورند و می آشامند و هر گاه شخصی بر آنها وارد شد آن ها او را به همان صورتی که در دنیا بود می شناسند.

طبق روایات، ارواح مؤمنان در جهان برزخ، در باغ ها و حجره هایی از بهشت و ارواح کافران و مجرمان گرفتار عذاب و آتش برزخی و در مکانی به نام برهوت که در حضرموت یمن واقع است می باشد و ارواح مؤمنان در دارالسلام نجف اشرف هستند.^۱

ویژگی عالم برزخ

۱. شباهت به عالم رؤیا:

در آیه ۴۲ سوره زمر، حالت پس از مرگ به حالت خواب رفتن انسان ها تشبیه شده است. «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» «خداست آنکه وقت مرگ، ارواح خلق را می گیرد و آن کس را که هنوز مرگش فرا نرسیده نیز، در حال خواب روحش را قبض می کند، سپس آن را که حکم به مرگش کرده جانش را نگه می دارد و آن را که نکرده (به بدنش) می فرستد تا به وقت معین. در این کار نیز ادله ای برای متفکران پدیدار است.»

آیت الله سبحانی معتقدند که بدن برزخی و نعمت های آن جا را می توان به گونه ای به لذت و یا نعمت های موقع خواب تشبیه کرد. انسان در عالم رؤیا واقعاً یک رشته کارهایی را انجام می دهد، راه می رود، سخن می گوید، می اندیشد و... هر گاه این کارها را با زندگی عنصری و مادی بسنجیم،

۱. محمدی اشتهاردی، عالم برزخ در چند قدمی ما، ص ۳۸.

شد و رفت در عالم برزخ از دست فیلسوف خارج می شود؛ فیلسوف هم به تبع شرع اگر بخواهد می تواند تکامل را اثبات کند.^۱

مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله علیه در مورد تکامل می فرماید: اگر استکمال در برزخ فرض شود، هر چه انسان در ماده کسب کرده همان مرتبه از کمال را دارا است، مگر این که تخم محبت و معرفت را در وجودش بکارد که نهالش در برزخ ظهور می کند. بنابراین اگر در دنیا بذر تکامل را کاشته باشد، در عالم برزخ پرورش می یابد. مانند اینکه اگر سنت حسنه و یا بنای خیری در دنیا بنیان نهاده باشد، ثوابش به روح او عاید می گردد.^۲

۷. ثواب و عقاب در برزخ:

خداوند در سوره واقعه می فرماید: «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَ رِيحَانٌ وَ جَنَّتٌ نَعِيمٌ * فَنُزِّلُ مِنَ حَمِيمٍ * وَ تَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ».^۳ در این سوره پروردگار عظیم، واقعه‌ی سکرات موت را بیان می کند و نزدیکی خود را به انسان در حال سکرات بیان می فرماید، سپس می گوید: «آن کسانی که از مقربین هستند، بلافاصله پس از حال سکرات و مرگ، روح و ریحان و بهشت نعیم خدا به آن ها می رسد، یعنی همین که مردند، در این نعمت ها وارد خواهند شد. و آن کسانی که از اصحاب یمین هستند، بلافاصله ثواب و سلام از طرف پروردگار برای آن ها خواهد بود؛ و آن گروهی که از اهل تکذیب و گمراهند، پس غذای آن ها همان غذای دوزخی است که برای میهمانان جهنمی تهیه می کنند و آب های داغ مانند فلز گداخته در حلقوم آن ها می ریزند و آن ها را به آتش می رسانند». این ها عذاب هستند قبل از عذاب قیامت. این آیه همچنین صراحت دارد بر آنکه: بلافاصله پس از مردن، ثواب و عقاب به انسان می رسد؛ البته ثواب و عقاب برزخی نه قیامتی.^۴

۱. www.haram.razavi.ir

۲. رخ شاد، در محضر علامه طباطبایی، پرسش ها و پاسخ ها، ص ۱۶۰.

۳. واقعه، آیات ۸۸-۹۴.

۴. طهرانی، همان، صص ۲۱۱-۲۱۲.

بنا به نظر شهید مطهری رحمه الله علیه، کارهای خیر بازماندگان مردگان که به نیت اینکه ثواب و اجرش از آن ها باشد صورت می گیرد، برای آن ها موجب خیر و رفاه و سعادت می شود. مطلق صدقات اعم از صدقات جاریه (یعنی تأسیس مؤسسات خیریه که سودش برای خلق خدا جریان دارد و باقی می ماند) و یا صدقات غیر جاریه که یک عمل زودگذر است، اگر به این قصد صورت گیرد که اجر و پاداشش برای پدر و یا مادر و یا دوست و یا معلم و یا هر کس دیگر که از دنیا رفته، بوده باشد، مانند هدیه ای برای رفتگان محسوب می شود و موجب سرور و شادمانی آن ها می گردد و همچنین است دعا و طلب مغفرت و حج و طواف و زیارت به نیابت از آن ها.

ممکن است فرزندی در زمان حیات پدر و مادر خدای ناخواسته آن ها را ناراضی کرده باشند ولی بعد از درگذشت آن ها طوری عمل کنند که رضایت آن ها را به دست آورند، همچنان که عکس آن نیز ممکن است.^۱

۸. بهشت و جهنم برزخی:

بر اساس آیات و روایات، در عالم برزخ نوعی از بهشت و جهنم برزخی وجود دارد که کانونی از نعمت ها برای نیکوکاران و عذاب برای بدکاران است و راهروئی است برای آماده شدن و رسیدن به بهشت و جهنم اخروی. بازجویی از تک تک مردم در قبر، و اجرای پاره ای از ثواب ها و عقاب ها، غیر از مسأله حساب روز قیامت و بهشت و دوزخ جاودانه ای است که خداوند از آن خبر داده. چون بازجویی و سؤالی که افراد در قبر دارند، برای تکمیل پرونده ی اعمال است، تا برای فرارسیدن قیامت بایگانی شود، و بهشت و دوزخ برزخی هم منزلگاه موقتی است، مانند منزلگاه های موقتی که برای مسافری در وسط راه آماده می سازند. در عالم برزخ به طور کامل به حساب کسی نمی رسند و در آن چه کرده حکم فصل و جزای قطعی صادر نمی کنند، همچنان که آیه «يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ»؛ «آن ها صبح و شام بر آتش دوزخ عرضه می شوند، و چون روز قیامت برپا شود فرعونیان را به سخت ترین عذاب وارد کنید»^۲ به آن اشاره دارد.

۱. مطهری، همان، صص ۳۵-۳۶.

۲. غافر، آیه ۴۶.

زیرا از عذاب برزخیان تعبیر کرده به عرضه بر آتش، و از عذاب قیامتیان به داخل شدن در آن که عذابی است شدیدتر و معلوم می شود که قبل از قیامت، آن ها در عذابی بوده اند که آن عذاب در درجه ی نهایت نبوده است و این که آن عذاب غائی و نهائی به آن ها می رسد. و این نشان می دهد که در عالم برزخ نوعی از بهشت و جهنم برزخی وجود دارد.^۱

۹. ارتباط ارواح در عالم برزخ با دنیا:

بنا به نظر علامه طهرانی، ارواح مؤمنین، اهل خود را دیدار و ملاقات می کنند. روح مؤمن که با همان صورت انسانی در عالم برزخ متصور است به دنیا نزول نموده و اقوام و ارحام و اهل بیت و افرادی را که به آن ها علاقه مند است، ملاقات می کند و از حالات و سرگذشت آن ها اطلاع می یابد. در کتاب کافی با سند خود از حفص بن البختری روایت می کند که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «مؤمن اهل خود را می بیند و آنچه را که موجب محبت اوست می بیند، لیکن چیزهایی که موجب کراهت او می گردد از نظر او پوشیده می شود؛ و کافر نیز اهل خود را می بیند و آنچه موجب نارضایتی و کراهت اوست مشاهده می کند، ولیکن چیزهایی که موجب محبت اوست از نظر پوشیده می گردد». حضرت فرمودند: «بعضی از مؤمنان در هر هفته یکبار در روز جمعه به زیارت و ملاقات اهل خود می رسند، و بعضی دیگر بر حسب مقدار عمل خود می توانند آن ها را ملاقات و زیارت کنند».

در کافی با سند خود از أبوبصیر روایت کرده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «هیچ روح مؤمن و کافری نیست مگر آن که در حین زوال شمس به دیدار اهل خود می رود، و اگر دید که اهلش به اعمال نیکو اشتغال دارند، سپاس و حمد خدای را بر این نعمت بجای آورد. و چون کافر ببیند که اهل او بر اعمال نیک مشغولند، برای او موجب حسرت و ندامت خواهد شد».

آن قدر ارتباط ارواح آن دنیا با این دنیا قوی است که چنانچه عمل خیری در اینجا انجام گیرد به ارواح متصله و مرتبطه ی آن عالم سرایت می کند.^۲

۱. طباطبائی، المیزان، ج ۱۱، ص ۸.

۲. طهرانی، همان، ج ۳، صص ۲۲۰-۲۲۲.

نتیجه گیری

روح انسان بعد از مفارقت از بدن مادی تا روز قیامت در عالمی که بین این دنیا و سرای آخرت قرار دارد منتقل می شود و از آن جایی که به حدفاصل میان دو چیز برزخ می گویند، این عالم ، عالم برزخ نام گرفته است.

بر اساس دیدگاه فلاسفه، قبری که سؤال یا جواب یا اَلَم و غم دارد همان عالم برزخ است نه این قبر مادی. بنابراین در آن جا ماده و عنصر یا مولکول و اتم وجود ندارد ولی صور تمام موجودات جهان و تمام اشیاء بی آنکه ماده و وزنی در کار باشد، موجود است.

در عالم برزخ، تکامل به معنای علمی آن وجود دارد نه عملی؛ زیرا عالم برزخ عالم تکلیف نیست.

فلاسفه معتقدند سؤال در برزخ از اعتقادات می باشد و سؤال از سایر مسائل، موکول به قیامت می شود و بر اساس همین سؤالات، نوعی از بهشت و جهنم در برزخ موجود است که دریچه‌ای است برای رسیدن انسان به قیامت.

منابع

* قرآن

منابع فارسی

۱. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۹۳ هـ.ش.
۲. رخ شاد، محمد حسین، در محضر علامه طباطبائی، قم: انتشارات آل علی، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۹ هـ.ش.
۴. سبحانی، جعفر، معاد انسان و جهان، بی جا، انتشارات کتابخانه صدر، ۱۳۵۸ هـ.ش.
۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپیست و نهم، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۶. _____، حیات پس از مرگ، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ هـ.ش.
۷. طهرانی، سید محمد حسین، معادشناسی، مشهد: انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۴۰۲-۱۴۰۷ هـ.ق.
۸. محمدی اشتهاردی، محمد، عالم برزخ در چند قدمی ما، تهران: انتشارات نبوی، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۹. مطهری، مرتضی، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (۶) زندگی جاوید یا حیات اخروی، بی جا، انتشارات صدرا، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۷ هـ.ش.

منابع عربی

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، انتشارات دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بی جا، انتشارات دار و مکتب الهلال، بی تا.

* سایت www.haram.razavi.ir